

ائتلاف آنگلوساکسونی آگوس با یک تیر دو نشان می‌زند

مهار چین، تحدید اروپا



از سه دهه گذشته، با رشد اقتصادی سالانه ۱۰درصد به عنوان پرسرعت‌ترین اقتصاد بین‌المللی شناخته شده است. همچنین رتبه یازدهم در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رتبه چهارم در جذب سرمایه خارجی را از آن خود کرده است. پکن قادر بوده سالانه قریب به ۱۴میلیون نفر را از خط فقر خارج کند. از این فراتر، نقش واسطه‌ای چین در تولید کالاهای اولیه صنایع مهمی چون خودرو، وسایل الکترونیکی، مواد دارویی و از این قبیل، باعث شده است قدرت چانه‌زنی این کشور نه تنها در برابر امریکا، بلکه اروپا افزایش یابد، بنابراین عجیب نبود که دولت ترامپ جنگ اقتصادی علیه چین را تشدید کند و اکنون باید نیز همان راه سلف خود را ادامه دهد. در پاسخ، چین این توافقی را تلاشی برای مقابله با نفوذ خود در منطقه مورد مناقشه دریای جنوبی چین و تشدید رقابت تسلیحاتی اعلام نمود. سفارت چین در امریکا در واکنش به این پیمان گفته است دولت‌های عضو این توافق «باید ذهنیت و تعصب ایدئولوژیک دوران جنگ سرد را کنار بگذارند.» مازو و کر-شمالی نیز این پیمان را باعث ایجاد مسابقه هسته‌ای در

درد

امریکا سعی دارد اتحادیه اروپا را همانند گذشته در دست خود داشته باشد و هرگاه احساس کند قدرت آن در حال فرونی است، تعادل گذشته را به آن برگرداند

مهاری برای داعش، چالشی برای یکپارچگی ملی افغانستان

سفید و خاکستری‌های طالبان برای شانگهای



است چنان که گزارش‌های متعددی منتشر شده است مبنی بر اینکه نیروهای امریکا از پایگاه‌های خود در افغانستان برای به پرواز در آوردن پهپادها و جاسوسی از ایران استفاده می‌کردند. دستیابی ایران به پهپاد امریکایی «آر کیسو -۱۷۰» در عسق ۲۲۵کیلومتری کشور و نزدیک به کاشمر یک نمونه آشدا تا این موضوع بود. چین و پاکستان نیز از این قاعده مستثنی نیستند، چراکه حضور امریکا در افغانستان به عنوان قلب آسیا، تهدیدی برای اهربرد مهم «کاشمر یک نمونه آشدا» چین بود و از سوی دیگر، امریکا با حضورش در افغانستان زمینه را برای نفوذ هند فراهم می‌کرد. تردیدی نیست که نفوذ هند در افغانستان به هر درجه‌ای جزو تهدیدهای درجه یک برای امنیت ملی پاکستان است و پاکستان تنها با به قدرت رساندن پشتون‌های متحد خود بود که می‌توانست این تهدید را به طور کامل برطرف کند، کاری که تنها با به قدرت رسیدن طالبان ممکن بود. بنابراین، دولت طالبان با حضور قدرتمند شبکه حقانی در آن زمین را به پاکستان می‌دهد که سدی محکم مقابل نفوذ هند در افغانستان ایجاد شده است.

■ **هدید مشترک**

روسیه بعد از رسیدن نیروهای طالبان به افغانستان برای گسترش نفوذ خود در منطقه آسیای مرکزی بهره‌برداری کند. تهدید امنیتی حضور نظامی امریکا برای ایران در مرزهای شرقی نکته غیر قابل انکاری

از خود داشته باشد. این مهم به ویژه پس از خروج امریکا از افغانستان مطرح شد. وزیر دفاع آلمان در نشست وزرای دفاع اتحادیه اروپا اعلام کرد این اتحادیه باید «درس‌های زیادی از آشفتگی‌های ناشی از خروج از افغانستان بگیرد که مهم‌ترین درس، ایجاد یک ائتلاف اروپایی برای واکنش سریع مقابل چنین بحران‌هایی است.» «بورل» در این نشست ضمن اعتراض به تصمیم امریکا در خروج اروپا خواست تا در اولین فرصت برای کاهش وابستگی به امریکا «نیروی اولیه واکنش سریع» با حضور حدود ۵ هزار نیروی نظامی ایجاد نمایند. به نظر می‌رسد این خط مشی اتحادیه اروپا بر تصمیم باین در ایجاد آگوس تأثیر مهمی داشته است.

■ **خنجر از پشت از سوی معتمدان خا**

اولین واکنش به آگوس را فرانسه از خود نشان داد، زیرا به موجب این پیمان، قرار داد ساختن ۱۲ زیردریایی با هزینه ۳۷ میلیارد دلار را از دست داد. در این راستا «ژان ایل لودریان» وزیر خارجه فرانسه این واقعه را «خنجری از پشت» دانست و بیان داشت ما با استرالیا روابطی منگی بر اعتماد ایجاد کرده بودیم، اما به اعتماد ما خیانت شده است. او برتانیسا را نیز در این ماجرا به چرخ نسوم سه‌چرخه تشبیه کرد که همواره به دنبال «فرصت‌طلبی‌انی» است. در ادامه «فلورنس پارلی» وزیر دفاع فرانسه سفر هفته آینده خود را به لندن برای دیدار با «بن والاس» وزیر دفاع برتانیای لغو کرده است. لودریان ضمن اعلام بحران جدی در روابط، سفرای خود از امریکا و استرالیا را فراخواند. البته استرالیا این اقدام خود را به دلیل بدعهدی فرانسه در ساختن این زیردریایی‌ها اعلام نمود، اما در نهایت دلیل آن را منافع این پیمان ذکر کرد.

به هر روی ایالات متحده با اینن ائتلاف، حضور خود در منطقه را شدت می‌دهد، و اکنون موضوع هسته‌ای، تجربه‌ای است که معتمدان این کشور یکی پس از دیگری در حال پی بردن به آن هستند.

سوی دیگر ماجرا، خود اتحادیه اروپاست که نمی‌خواهد همانند گذشته در بند تصمیم‌ها و اقدامات ایالات متحده بماند و به دنبال آن مانع‌تراشی و سنگ‌اندازی می‌کند.

تحلیل

گاز دادن مسکو در جاده شکست تحریم واشگتن

نورد استریم ۲ یک پیروزی ژئوپلیتیک برای روسیه است

انرژی گازی، ذخایر سرزمینی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز کاهش می‌یابد.»
پهانه دیگر امریکا برای مخالفت با نورد استریم ۲، ادعای نگرانی درباره تشدید فشارها بر اوکراین و لهستان، کشورهای ترازیت کننده گاز روسیه به اروپاست. این دو کشور اروپای شرقی از مخالفان سرخ‌طرح نورد استریم ۲ هستند و بارها از غرب و اروپا خواستار تحریم این طرح و شرکت‌های مشارکت کننده در آن شده‌اند. در واشنگتن نیز علاوه بر دولت باین، سیاستمداران هر دو حزب جمهوریخواه و دموکرات مدعی نگرانی در این زمینه هستند که عملیاتی شدن نورد استریم ۲، موجب حذف اوکراین و لهستان از تأمین گاز اروپا شود و به مسکو در تأمین گاز اروپای غربی قدرت زیادی بدهد.

■ **توافق امریکا و آلمان**

امریکا و آلمان اواخر تیر ۱۴۰۰ به توافقی بر سر پروژه خط لوله گازی نورد استریم ۲ دست یافتند که تکمیل شدن این پروژه بدون تحریم‌های امریکا را امکان‌پذیر کرد. ایزن خبر را «ویکتوریا نولاند» معاون وزیر امور خارجه امریکا روز ۳۰ تیر به کمیته روابط خارجی سنا اعلام کرد. توافق اخیر واشگتن و برلین درباره پروژه نورد استریم ۲ در واقع به منزله عقب‌نشینی آشکار دولت باین از موضع قبلی امریکا در مخالفت جدی و مستمر با احداث و عملیاتی شدن این خط لوله گازی بود.



پس از سفر اخیر آنکارا مر کل راعظم آلمان و دیداری با جو باین در کاخ سفید انتظار می‌رفت تحولی در موضع واشگتن در قبال یکی از موارد اصلی اختلاف بین برلین و واشگتن یعنی پروژه گازی نورد استریم ۲ رخ دهد و این توافق چندروز پس از سفر وی اعلام شد. با این حال نکته قابل توجه در این توافق، اصرار امریکا برای حفظ حقوق گازی اوکراین و نیز تهدید روسیه در باره هر گونه فشار به اوکراین و دیگر کشورهای اروپای شرقی در این زمینه بود.

البته برلین هم به واشگتن وعده داد به هر گونه تلاش روسیه برای استفاده از انرژی به عنوان سلاح علیه اوکراین و دیگر کشورهای مرکز و شرق اروپا پاسخ دهد. در چارچوب این توافق، آلمان موظف است پس از سال ۲۰۲۴ میلادی، ۱۰ سال دیگر قرارداد انتقال گاز روسیه از طریق اوکراین را تمدید کند و چنانچه مسکو استفاده از منابع انرژی را برای ارتقا تحت فشار قرار دادن کشورها به کار گیرد، آلمان تحریم‌هایی را علیه روسیه وضع خواهد کرد. همچنین آلمان و امریکا با هم به اوکراین کمک می‌کنند تا منابع انرژی خود را متنوع کند و برای این کار از کیف پشتیبانی مالی خواهند کرد. هدف از این توافق، کاهش آن چیزی است که منتقدان آن را خطرات راهبردی این خط لوله ۱۱ میلیارد دلاری تلقی می‌کنند. با این حال این توافق با مخالفت‌هایی روبه‌رو شده است. در واشگتن سیاستمداران هر دو حزب جمهوریخواه و دموکرات نگران این هستند که عملیاتی شدن خط لوله گازی نورد استریم ۲، موجب حذف اوکراین و لهستان از تأمین گاز اروپا شود و به مسکو در تأمین گاز اروپای غربی قدرت زیادی بدهد. لهستان و اوکراین از مخالفان سرسخت این پروژه گازی هستند. «تد کروز» سناتور جمهوریخواه در واشگتن گفته است: «نورد استریم ۲ مخالفت کرده بود. ایالات متحده مدعی است که نگران استفاده روسیه از نورد استریم ۲ به عنوان اهرمی برای تضعیف کشورهای اتحادیه اروپاست. با این حال هدف واقعی امریکا تلاش برای کاهش حضور و حتی حذف روسیه از بازار گازی اروپا و جایگزین کردن گاز طبیعی مایع خود به جای آن است. امریکا صادرکننده گاز طبیعی مایع به اروپاست، به ویژه اینکه در سال‌های اخیر شرکت‌های نفتی و گازی امریکایی سرمایه‌گذاری هنگفتی در زمینه استخراج گاز طبیعی انجام داده و با توجه به مسیر مستقیم صادرات گاز مایع به اروپا از طریق اقیانوس اطلس، واشگتن به نشت خواهان خرید مقادیر هر چه بیشتری از گاز طبیعی مایع امریکا توسط اروپاست. با این حال به دلیل ارزان‌تر بودن و سهولت بیشتر صادرات گاز روسیه، اروپایی‌ها به ویژه آلمانی‌ها خواهان تادوم همکاری گازی با مسکو هستند. محمد زارعی، کارشناس مسائل اروپا می‌گوید: «دسترسی به منابع گاز طبیعی از اهمیت راهبردی فرآیندهای در اتحادیه اروپا بر خوردار است. با افزایش مداوم تقاضا برای

شد و در دوره زمامداری دونالد ترامپ تشدید شد. جو باین رئیس‌جمهور کنونی امریکانیز کامکازن همین رویه را ادامه داد. امریکا در حرکتی نمادین دست‌کم بسیار سخت خواهد بود و حتی کشورهای عضو سازمان شانگهای نیز نخواهند توانست تعامل سازنده‌ای با دولت دوم طالبان داشته باشند. دومین دلیل احتیاط و تردید در معنی برای اقدامات تروریستی خود نمی‌داند. دولت سابق افغانستان با وجود حمایت‌های همه‌جانبه جهانی نتوانست بود مانعی سر راه داعش باشد اما به نظر می‌رسد که حالا طالبان با توجه به اشرف قومی –قبیله‌ای بر مناطق حضور داعش، بتواند نقش این مانع را داشته باشد. باید گفت این هدف مشترک نه تنها روسیه و متحدانش در آسیای مرکزی، بلکه دیگر کشورهای همسایه افغانستان از جمله ایران، چین و پاکستان است. داعش با جذب عناصر تندرو اوغور تهدید جدی برای امنیت استان سین‌کیانگ چین است چنان‌که همین خطر را با جذب عناصر افراطی جدا شده از طالبان برای پاکستان دارد. شاید کمترین تهدید را داعش علیه ایران داشته باشد، زیرا مناطق شرقی این گروه در افغانستان بسیار زیادی با مرز مشترک دو کشور دارد، با این حال، داعش با انتخاب دولت اسلامی استان خراسان، «IS- KP»، نشان داده که تهدید ایران جزو اولویت‌های آن است. بنابراین طالبان با اتمام جنگ داخلی و ایجاد دولتی قدرتمند در کابل می‌تواند دست‌کم مانع جدی در برابر داعش ایجاد کند که دشمن مشترک تمامی همسایگان افغانستان است.

■ **تردیدها و احتیاط‌ها**

با توجه به این مطالب، شاید چنین به نظر برسد که به قدرت رسیدن طالبان راهبردی مشترک کشورهای عضو سازمان شانگهای است؛ با وجود این باید توجه داشت که این موضوع خالی از ابهام و تردید نیست و همین نیز باعث شده تا این کشورها با احتیاط و تردید به این موضوع بنگرند. اولین دلیل احتیاط و تردید این کشورها ناشی از تجربه‌ای است که نسبت به دولت اول طالبان دارد. آن دولت طی حدود پنج سال حکومت خود چنان نظام شکنجگرانه‌ای را حاکم کرده بود که نه تنها محبوبیتی در داخل نداشت، بلکه از نگاه جامعه جهانی نیز حکومتی غیر قابل قبول بود. اگر طالبان بخواهد چنان تجربه‌ای کابل به وجود آید.

تلاش برای کاهش حضور و حتی حذف روسیه از بازار گازی اروپا و جایگزین کردن گاز طبیعی مایع خود به جای آن است. امریکا صادرکننده گاز طبیعی مایع به اروپاست، به ویژه اینکه در سال‌های اخیر شرکت‌های نفتی و گازی امریکایی سرمایه‌گذاری هنگفتی در زمینه استخراج گاز طبیعی انجام داده و با توجه به مسیر مستقیم صادرات گاز مایع به اروپا از طریق اقیانوس اطلس، واشگتن به نشت خواهان خرید مقادیر هر چه بیشتری از گاز طبیعی مایع امریکا توسط اروپاست. با این حال به دلیل ارزان‌تر بودن و سهولت بیشتر صادرات گاز روسیه، اروپایی‌ها به ویژه آلمانی‌ها خواهان تادوم همکاری گازی با مسکو هستند. محمد زارعی، کارشناس مسائل اروپا می‌گوید: «دسترسی به منابع گاز طبیعی از اهمیت راهبردی فرآیندهای در اتحادیه اروپا بر خوردار است. با افزایش مداوم تقاضا برای